

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی درباره مشکلات به وجود آمده ناشی از اختلالات اینترنتی در صف خود، می‌گوید که در بحث تبلیغات، هم دچار مشکل هستیم و هم اینکه راه‌های ارتباطی و کانال‌های تلگرمی که برنامه‌ها و بسته‌های سفر در داخل این کانال‌ها به فروش رسانده می‌شد را تقریبا از دست داده‌ایم. اطلاعات مسافران از قبیل پاسپورت، مدارک شناسایی و قراردادها، همه توسط اپلیکیشن‌های رایج صورت می‌گرفت که در آلود کردن اطلاعات مسافر دچار چالش شده‌ایم. دقیقا از آبان ۹۸ به بعد، صنعت گردشگری روزگار خوبی را سپری نمی‌کند و در مهر و آبان نزدیک به ۹۰ درصد تورهای ورودی ما به کشور کنسل شده‌است. حرمت‌الله رفیعی در گفت و گو با «انتخاب» در خصوص مشکلاتی که اختلالات اینترنت و فیلتر ینگ شبکه‌های اجتماعی برای دفاتر خدمات مسافر هوایی ایجاد کرده است، بیان کرد: «دنیای امروز دنیای تکنولوژی است و اگر بخوایم ادعا کنیم که این موضوع تأثیری بر ما نداشته، کاملا ادعای کذبی است. واقعیت این است که تبلیغات همکاران ما در فضای مجازی، در پلتفرم‌هایی همچون اینستاگرام و واتس‌آپ بود. حال تا بخواد شبکه‌ای جایگزین شود، ما زمان را از دست می‌دهیم. از سوی دیگر تا مردم بخوانند خود را عادت دهند، قطعا یک سری ریزش‌هایی را داریم.» وی ادامه داد: «در بحث تبلیغات، هم دچار مشکل هستیم و هم اینکه راه‌های ارتباطی و کانال‌های تلگرمی که برنامه‌ها و بسته‌های سفر در داخل این کانال‌ها به فروش رسانده می‌شد را تقریبا از دست داده‌ایم.» رفیعی همچنین درباره مشکلات ایجاد شده برای مسافران، گفت: «اطلاعات مسافران از قبیل پاسپورت، مدارک شناسایی و قراردادها، همه توسط اپلیکیشن‌های رایج صورت می‌گرفت. شرایط نامناسبی به وجود آمده و کندی اینترنت هم مزید بر علت شده است که در آلود کردن اطلاعات مسافر، دچار چالش شویم. دقیقا از آبان ۹۸ به بعد، صنعت گردشگری روزگار خوبی را سپری نمی‌کند» رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی همچنین درباره مشکلات به وجود آمده ناشی از این وضعیت برای گردشگران خارجی، عنوان کرد: «مشکل گردشگران خارجی تنها در اینترنت نیست؛ شرایطی در کشور به‌وجود آمده و کشورهای غربی هم روی این موضوع دارند مانور می‌دهند. طبیعتا قرار گرفتن ایران در لیست قرمز و ممنوعیت سفر توسط کشورهای غربی، باعث عدم ورود گردشگر به ایران شده است. شرایط در حوزه گردشگری بسیار بد است و در مهر و آبان نزدیک به ۹۰ درصد تورهای ورودی ما به کشور کنسل شده است.»

الان دسترسی به سایت‌های دولتی هم امکان‌پذیر نیست

رئیس کانون زنان بازرگان استان فارس درباره تبعات فیلتر ینگ شبکه‌های اجتماعی بر کسب و کارهای اینترنتی می‌گوید که در سال‌های گذشته، خصوصا در دو سال کرونا، بسیار تلاش کردیم که استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی را ترویج کنیم. بسیاری از کسب و کارهای خرد، به خصوص زنان سرپرست خانواده را تشویق کردیم که از این پلتفرم‌های مجازی استفاده کنند و هزینه‌های کمتری داشته باشند و بتوانند بخشی از هزینه‌های خانواده را پوشش دهند. اما شما در نظر بگیرید که آن دو سال کرونا که سراسر رکود بود، تمام می‌شود و یک دفعه ما وارد چنین فضایی می‌شویم. بسیاری از کسب و کارها دچار مشکل شده و خیلی از آنلاین‌شاپ‌ها از بین رفته‌اند. بلدا راه‌دار گرفت و گو با «انتخاب» در مورد اثرات فیلتر ینگ شبکه‌های اجتماعی بر کسب و کارهای خرد، مطرح کرد: «واقعیت این است که برای همه مهم است نه فقط کسب و کارها. امروز هیچ کاری بدون اینترنت انجام نمی‌شود، خصوصا در حوزه تجارت که تنها مسیر باطلی ما در دنیا، اینترنت است. حتی تماس‌های تلفنی ما با تاجار از طریق اینترنت و به وسیله اپلیکیشن‌های مختلف اتفاق می‌افتد که یا سرعت اینترنت آنقدر پایین است که عملا امکان استفاده از آن‌ها نیست یا اینکه فیلتر شده‌اند.» رئیس کانون زنان بازرگان فارس، افزود: «درست است که یک عده‌ای از طریق فیلتر شکن دسترسی دارند ولی عموم مردم یا به کل دسترسی ندارند یا دسترسی به موقعی ندارند. همین است که بسیاری از کسب و کارها دچار مشکل شده و خیلی از آنلاین‌شاپ‌ها از بین رفته‌اند.» عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران و شیراز، ادامه داد: «در سال‌های اخیر که به صورت گسترده دولت الکترونیک را ترویج کردیم، همین هم در بستر اینترنت بوده است اما می‌بینیم که گاهی دسترسی به سایت‌ها دولتی هم امکان‌پذیر نیست. حتی اتفاق افتاده که می‌خواستیم در یک مناقصه شرکت کنیم اما سرعت بسیار کم بود و از آلود یک فایل هم عاجز بودیم.»

گفت‌وگوی «آرمان ملی» با مجید رضائیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم در خصوص وضعیت روزنامه‌نگاری در حال حاضر

روزنامه‌نگار کارمیدانی نکند چه کند؟



روزنامه‌نگارانه همیشه وجود داشته است . دکتر رضائیان به مهارت‌های روزنامه‌نگاری در این شرایط اشاره می‌کند و می‌گوید که می‌توان از طرق غیرمستقیم به رویداد اشاره کرد و البته ممکن است مخاطب متوجه نشود و ممکن است نشود. به‌او می‌گوییم که در طی این سال‌ها از روش‌های غیرمستقیم و ترندهای متفاوت برای بیان مطلب استفاده کرده‌ایم اما در حال حاضر با فشارهایی که بر اهالی رسانه و مسئولان رسانه‌ای وجود دارد، این روش غیرمستقیم هم دیگر جواب نمی‌دهد و باز به همان حرف استاد برمی‌گردیم؛ لبوفروشی... آنچه می‌خوانید حاصل صحبت‌های ما با این فعال رسانه‌ای، استاد دانشگاه و پژوهشگر است؛

♦ **برای رسیدن به امر عینی باید میدانی کار کرد**
مجید رضائیان می‌گوید «روزنامه‌نگاری قبل از اینکه ساجکتیوینته باشد، اچکتیوینته است؛ قبل از اینکه سوژه محور باشد، عینی‌گراست. یعنی وقتی که به روزنامه‌نگار می‌گویند از کجا شروع می‌کنی؟ پایه اصلی شش فرم روزنامه‌نگاری بر روی عینیت است. حتی وقتی روزنامه‌نگار گزارش تهیه می‌کند، تحیل در خدمت واقعیت است و باز باید به سراغ عینیت برود و پایه عینیت چیزییست به نام ایونت؛ یعنی اول یک رویداد رخ می‌دهد و بعد روزنامه‌نگار سراغ رویداد می‌رود خوب این رویداد یک امر عینی است. برای رسیدن به امر عینی باید میدانی کار کرد. یعنی وضعیت‌های روزنامه‌نگارهای حرفه‌ای در برابر شبکه‌های اجتماعی و خیلی چیزهای دیگر در دنیا این است که روزنامه‌نگار، عینیت را درباره آن رویداد می‌بیند و بعد سراغ شش عنصر اصلی روزنامه‌نگاری می‌رود و در این صورت روایتی که دارد، روایتی حرفه‌ای است، کامل است و جواب پرسش‌های اصلی آن رویداد را باید بدهد.» این استاد دانشگاه ادامه می‌دهد: «مروز در دنیا کسی تا مرز what، روزنامه‌نگار در میدان نمی‌فرستد چون همه گوشی دستشان است، و با کم و زیاد می‌بینند و می‌خوانند و متوجه می‌شوند. به محض اینکه وب آغاز شد، ژانر پنجمی در روزنامه‌نگاری آغاز شد به نام ژانر روزنامه‌نگاری تحلیلی. یعنی جواب دادن به دو عنصر آخر روزنامه‌نگاری، دو عنصر آخر روزنامه‌نگاری چیست؟ how، why، چگونه و چرا...» به گفته رضائیان: «خیلی وقت است یعنی از ۱۹۹۰ میلادی تا الان روزنامه‌نگاری از مرز what چیستی گذشته. باید چهار عنصر اول، مخاطب همیشه متکی به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نیست؛ اینکه یک رویداد، مکان و زمان و چیستی و فاعلیت و موضوع آن چیست.» او که در کتاب آخر خود در حوزه روزنامه‌نگاری اسم آن را عناصر استاتیک گذاشته، می‌گوید «کسی سراغ عناصر استاتیک یا چهار عنصر اول نمی‌رود. همه سراغ عناصر داینامیک می‌روند یعنی چگونگی و چرا... پس وقتی شما سراغ چگونگی و چرا می‌روی طبیعتا باید بدانید چگونه کسب اطلاعات کنی.» اگر راه برای کسب اطلاعات برای روزنامه‌نگار بسته شود و شما جلوی دو عنصر آخر را هم بگیرید، مرجعیت رسانه‌ای از مطبوعات و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های حرفه‌ای گرفته می‌شود و مرجعیت رسانه‌ای می‌شود خارج از ایران و با شبکه‌های اجتماعی که در آن فیک نیز زیاد است. بنابراین هر چقدر ما راه را برای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای باز کنیم، قوام روزنامه‌نگاری هم قوام کشور می‌شود و هم شرایط را متعادل و آرام می‌کند و هم به

نفع مردم و مخاطبان خواهد بود. الان مخاطبان می‌گویند که می‌خواهند پاسخ این ابهامات را به دست بیاورند اگر برای روزنامه‌نگاران داخل، همه نوع محدودیت ایجاد کنیم بنابراین پرسش‌های مخاطب جواب داده نمی‌شود و او پرسش‌هایش را از جای دیگر به دست می‌آورد.»

♦ **وقتی روزنامه‌نگار کاری نمی‌تواند بکند**

اما با توجه به این محدودیت‌ها، یک روزنامه‌نگار چطور کار کند که اتهام اغتشاشگری به او زده نشود؟ آقای رضائیان می‌گوید که «استادی داشته که وقتی از او می‌پرسیدیم اگر راه‌ها همه بسته شدند، چه کار باید بکنیم و او به شوخی می‌گفت که عزیزم لبوفروشی. این استاد به شوخی این حرف را زده بود اما حرفش معنا دار بود. خوب اگر همه راه‌ها بسته شد، روزنامه‌نگار کاری نمی‌تواند بکند و معنایش این است که داریم روزنامه‌نگاری را تعطیل می‌کنیم.» و تأکید می‌کند که «سخن ما به عنوان معلمان روزنامه‌نگاری که سال‌ها کار کرده‌ایم، این است؛ ما می‌گوییم حاکمیت، راه‌های قانونی، حقوقی، درست و منطقی را در روزنامه‌نگاری نبیند به این معنا که همان طور که گفتیم، محدودیت اطلاع‌رسانی، فیک نیز را رشد می‌دهد. محدودیت اطلاع‌رسانی، مرجعیت رسانه‌ای را از مطبوعات و خبرگزاری‌ها و وبسایت‌ها خواهد گرفت. واگر این محدودیت‌ها به گونه‌ای باشد که روزنامه‌نگار نتواند کار کند، مسئولیت از روی دوش او برداشته شده اما اینکه با وجود این همه سختی آیا روزنامه‌نگار باز هم می‌تواند کار کند، به توان و مهارت حرفه‌ای او برمی‌گردد که ممکن است به خود رویداد اشاره نکند و با اشاره‌های غیرمستقیم، معنای مورد نظر را برساند اما کار خیلی سخت و پیچیده می‌شود و ممکن است ولی عملا راه بسته می‌شود و زمانی که راه بسته باشد مضرات این خیلی بیشتر از چیزی است که دیگران ممکن است فکر کنند مزایایی می‌تواند داشته باشد. به هر حال روزنامه‌نگار هم در چارچوب مسئولیت اجتماعی و در چارچوب قانون کار می‌کند اما این محدودیت اطلاع‌رسانی مرجعیت رسانه‌ای را از او می‌گیرد.»

♦ **اگر قرار است روزنامه‌نگاری را تعطیل کنیم که دیگر حرفی باقی نمی‌ماند!**

به این استاد دانشگاه می‌گوییم که روزنامه‌نگارها از مدل غیر مستقیم و ترنده‌های نوشتن هم عبور کرده‌اند و در حال حاضر محدودیت‌ها به حدی رسیده که مسئولان رسانه‌ها هم در تنگنا قرار گرفته‌اند که دیگر حتی نتوان با دور ردن و توصیف غیرمستقیم به نوشتن پرداخت. آقای رضائیان دوباره به حرف آن استاد که گفته بود لبوفروشی اشاره می‌کند و می‌گوید که متوجه است چه می‌گوییم و این درست است: «روزنامه‌نگار تمام مهارت و توان حرفه‌ای‌اش را هم به کار می‌گیرد و سراخ را به او می‌گویند که این راه‌هم که نوشتی نباید می‌نوشتی!خب اگر قرار باشد برای نوشتن ما کسی دیگر تصمیمی بگیرد، چرا روزنامه‌نگار شدیم؟» او توضیح می‌دهد که «قوانین مصرحی در کشور هست که روزنامه‌نگار به تناسب آن سراغ رویداد می‌رود. اطلاعات مربوط به آن رویداد را به دست می‌آورد، ارائه می‌کند به مخاطب که در چارچوب قوانین کشور است و هیچ ایرادی به آن وارد نیست. نمی‌شود که اعمال نظر شخصی کرد. نمی‌شود اعمال سلیقه کرد. نمی‌شود این‌ها را تحت فشار گذاشت. تحت فشار گذاشتن، زیانیش بی‌نیایت گسترده است. ما که قرار نیست روزنامه‌نگاری را تعطیل کنیم. اگر قرار است روزنامه‌نگاری را تعطیل کنیم که دیگر حرفی باقی نمی‌ماند!» این پژوهشگر ژورنالیسم، خطاب به حاکمیت می‌گوید: «ما به عنوان معلمان روزنامه‌نگاری، راه حل مشفقانه و خیرخواهانه و حرف نیک‌اندیشانه و در عین حال حرفه‌ای ارائه می‌دهیم. روزنامه‌نگار اگر دو چیز نداشته باشد، در روزنامه‌نگاری قفل می‌شود؛ یکی آزادی بیان و دیگری مصونیت حقوقی. اگر روزنامه‌نگار این دو مورد را نداشته باشد یعنی همه چیز تمام شده.» رضائیان ادامه می‌دهد: «شما ممکن است بگویید آزادی بیان کمتر شده اما در حدی که هست داریم کار می‌کنیم و الان آن حد هم دارد به حداقل می‌رسد به‌طوری که اهالی رسانه نمی‌دانند کار کنند، نکنند و سردرگم‌اند.»

♦ **دیدگاه مخالف فعالیت رسانه‌های داخلی از کجا می‌آید؟**

این استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم، پیشنهاد می‌دهد، مناظره‌ای گذاشته شود، حرف زده شود، گفت‌وگو شود، تا مشخص شود دیدگاهی که محدود کننده رسانه‌های داخلی است، از کجا می‌آید؛ «کسانی که روزنامه‌نگاری را قبول ندارند، حتما استدلال‌هایی دارند. این‌ها باید مورد بحث‌های علمی، کاربردی و جدی قرار بگیرد تا مگر ه‌ها را بشود... او می‌گوید که «به هر حال این فضا اصلا فضای چندان مطلوبی نیست نه برای کشور و منافع ملی آن و نه برای مردم و نه هیچکدام حسنی ندارد.»

۸۰۰ هزار نفر در اینستاگرام درآمد داشتند یا ۱ میلیون نفر؟

زیرساخت‌های ارتباطی کشور، توسعه دولت هوشمند، شتاب بخشی به توسعه صنعت فضایی، هوشمندسازی شبکه پستی، تکمیل شبکه ملی اطلاعات و توسعه اقتصاد دیجیتال متمرکز بوده‌است. اتاق بازرگانی و فعالان فضای مجازی و استارت‌آپی و مراکز پژوهشی همچون موسسه پژوهشی پتا، آمارهای ۹ تا ۱۱ میلیون کسب و کار مرتبط با اینستاگرام را مطرح می‌کنند و از گردش مالی ۱۸ تا ۳۲ هزار میلیارد تومانی در این پلتفرم سخن به میان می‌آورند اما از سوی دیگر معاون وزیر صمت معتقد است: «تجارت الکترونیکی» و کسب و کار مجازی در کشور دست کم هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در سال فروش دارد و صدها زیرشاخه دارد و کسب‌وکارهایی که در اینستاگرام بودند، کمتر از ۳ درصد این عدد بودند. در چنین شرایطی که هنوز آمار مشخصی در خصوص میزان خسارت، تعداد فعالان کسب و کار مجازی و... روشن نیست، دولت سخن از حمایت از کسب و کارهای آسیب‌دیده می‌کند.

اجتماعی

متروپل سه بار فرو ریخت؛ آیا میز مسئولین حادثه هم فرو ریخت؟

فرورختن ساختمان متروپل حادثه‌ای بود که ظهر روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱ در خیابان امیرکبیر (امیری) واقع در مرکز آبادان رخ داد. در پی وقوع این حادثه، بخشی از برج شماره ۲ متروپل فرو ریخت. این حادثه ۴۳ فوتی و ۳۷ نفر مصدوم داشت؛ این فاجعه تنها اولین ریزش سازه‌های غول پیکر متروپل بود، ساختمانی که بخشی از پروژه برج‌های دوقلوی متروپل هلدینگ عبدالباقی بود. و اما دومین بار؛ بخشی از ساختمان متروپل در تاریخ ۲۳ شهریور و در زمان سبک‌سازی سازه فروریخت؛ رسانه‌ها تیتز زدند متروپل برای بار دوم فرو ریخت؛ ولی این تمام ماجرا نبود؛ ریزش مدام متروپل در ۲۳ شهریور متوقف نشد؛ بخش دیگری از ساختمان متروپل در آبادان، چهارشنبه چهارم آبان‌ماه فرو ریخت؛ ریزشی برای سومین بار. در این ریزش آخر نیز یک نفر فوت شد، یک خانم ۴۲ ساله روز چهارم آبان بر اثر این ریزش ناگهانی جان خود را از دست داد؛ ظاهرآو عابری در خیابان بوده که با ریزش ناگهانی آوار، به‌شدت مجروح می‌شود و در نهایت می‌میرد. اما در اولین ریزش ناگهانی متروپل ۴۳ نفر جان خود را از دست دادند و حداقل ۳۷ نفر دیگر مصدوم و راهی بیمارستان شدند. در این میان، حداقل ۱۴ نفر از جانب‌اختگان کارگر بودند که به دنبال کسب روزی حلال، در پناه سازه‌ای غول پیکر بی‌پناه ماندند و جان خود را از دست دادند. هشتم خرداد، اکبر شوکت (رئیس کانون انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور) در مورد تعداد کارگران مدفون و آمار اجسادى که تا آن روز بیرون کشیده شده؛ گفت: طبق آمارى که ما داریم، تا روز هفتم خرداد، ۱۴ نفر از همکاران ما در این حادثه فوت کرده‌اند و هنوز تعداد دیگری زیر آوار هستند، بنابراین هنوز آمار قطعی فوتی‌ها را نداریم. این اعداد و ارقام که هر کدام نشان از نابودی جان انسان‌های عزیز دارد، باید زنگ‌های هشدار جدی را به صدا درمی‌آورد؛ باید خیلی پیشتر بانیان این اتفاق هولناک به جزامی رسیدند و باید برای مردم شفاف‌سازی صورت می‌گرفت. بعد از دومین ریزش سازه در شهریورماه، مقرر شده بود که عملیات تخریب باقیای ساختمان متروپل توسط قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا انجام شود و کارفرمای آن، سازمان منطقه آزاد اروند باشد؛ سوال اینجاست که چرا سازه دوباره ریزش کرد و جان یک زن ۴۲ ساله از دست رفت و چرا متروپل برای بار سوم فروریخت؟ احسان سهرابی (نماینده کارگران در شورای عالی حفاظت فنی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با بیان اینکه «متروپل سه بار فروریخت اما میز مسئولین حادثه فرو نریخت» در این رابطه توضیح می‌دهد: حادثه دلخراش متروپل در دوم خرداد ماه امسال، آبادان و ایران را سیاه پوش کرد؛ ۴۳ نفر فوتی و تعداد زیادی مصدوم در یک حادثه دلخراش، کم نیست؛ نکته اینجاست که قضیه تمام نشد؛ در بیست و سوم شهریور ماه، فوت کارگری دیگر در این ساختمان، فقط یک شماره به داده‌های مرکز آمار ایران اضافه کرد. او ادامه می‌دهد، ما بارها اعلام کردیم در این دست جرایم به جنبه عمومی جرم توجه شود و صرفا در احکام نگاه غرامتی نداشته باشیم؛ ولی راحت از کنار این حادثه گذشتیم و برای سومین بار متروپل تیتز رسانه‌ها شد. سهرابی در ادامه فقط به دو دستور بعد از حادثه اولیه متروپل اشاره می‌کند؛ دستور شناسایی و پیگیری مقصران حادثه و برخورد با هر فردی که در این حادثه مرتکب تخلف یا ترک فعل شده است که توسط رئیس‌جمهور مهدیسی و شهرداری‌ها ماموریت داد تا ساختمان‌های ساخته شده تاکنون و در معرض آسیب را شناسایی و معرفی کنند تا اقدامات لازم برای مقاوم‌سازی، تخلیه یا تخریب آنها توسط صاحبان آن ساختمان‌ها انجام شود. این سوال مطرح است: این دو دستور تا کجا پیگیری شدند، به کجا رسیدند و نتایج آن‌ها چه شد.

روی خط آرمان ملی

۰۱۷۶۰۸۸۷۶

کمبود پزشک

در شهرستان‌ها کمبود پزشک متخصص داریم و نوبت‌هایی که برای بیمارها می‌دهند دو ماهه است لطفا مسئولان وزارت بهداشت رسیدگی کنند تا حداقل پزشکان تخصصی که داریم به این شهرها فرستاده شوند.

یک شهروند از رشت

گرانی نان

نانوایی سنگکی واقع در ته خط نازی آباد مدتی است که نان ساده بی کیفیت را ۲ هزار تومان و نان کنجدی را به دو نرخ ۶۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ تومان می‌فروشد. در جواب اعتراض مشتریان می‌گوید که آزادپز هستیم، اگر دوست نداری نخر!ضمن آنکه هیچ مورد از پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند! چرا هیچگونه نظارتی بر روی کار اصناف متخلف صورت نمی‌گیرد؟

حمیدی از تهران

بورس

آقایان مسئولین چه شد حمایت از بورس و بازار سرمایه؟ تا کی وعده خواهید داد؟ مردم با این همه امید وارد بورس شدند اما در مدت کوتاهی سرمایه‌هایشان دود شد و رفت هوا؟! اطفا فکری اساسی برای این موضوع کنید تا مردم لافلا بتوانند پول خود را دریافت کنند.

حسینی از تهران

بیمه اختیاری

چرا مجلس و دولت فکری به حال کسانی که بیمه نیستن و توانایی مالی پرداخت بیمه اختیاری رو ندارند نمی‌کنه همه کشورها مردمشون رو بیمه می‌کنن! آخه من بیکار مستاجر چطور ی یک میلیون و هفتصد هزار تومان ماهانه برای بیمه اختیاری پرداخت کنم از کجا بیارم.

یک شهروند از شیراز